

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی

۱۰ فیبروری ۲۰۲۲



گرهارد مرت شینک

سخنان گرهارد مرت شینک در برلین مقابل سفارت امریکا

۵ فیبروری ۲۰۲۲

در مقابله با جو سازی غرب برای جا انداختن عملیات نظامی در افکار عمومی به خاطر خطر تهاجم روسیه به اوکراین چندی پیش بیستمین سالروز به کار افتادن اردوگاه اسراء در پایگاه نظامی امریکا در گوانتانامو (واقع در کوبا) بود. این اردوگاه اسراء بخوبی برای توضیح ارتباط امریکا با حقوق بشر مناسب است. نگاهی از حقوق بشر معمولاً در صورتی از سایر کشورها طلب می شود که به نفع امریکا باشد. اما در صورتی که حقوق بشر با منافع قدرتمندی خودشان مناسب نباشد، آنگاه بدون اندکی درنگ از آن صرف نظر گشته، کوچک ترین توجهی بدان نمی شود و همه متحدان نیز آن را ندیده می گیرند و رسانه های تحت تمکین سرمایه در صدد مشروع جلوه دادن آن بر می آیند.

اردوگاه اسراء در گوانتانامو هنوز نیز برپاست و این به معنای ۲۰ سال، تداوم نقض حقوق بشر از جانب امریکا و اعمال روش های شکنجه مانند "واتر بُردینگ" (ایجاد خفگی با زیرآب بردن سر زندانیان) است. اما چرا عوامل شکنجه گر در گوانتانامو نیز دادگاهی نمی شوند، همانگونه که بنازگی در مورد یکی از مأموران پولیس مخفی سوریه صورت گرفت؟ اینجاست که بار دیگر دوروی سیاستمداران المان و رسانه های "با کیفیت" ظاهر می گردد. علاوه بر آن امریکا سایر کشورها را به نقض حقوق بشر متهم می سازد. آنان خود را به مثابه سرزمین الهی می نگرند و تصور می کنند خدا بدانها دستور داده است معیارهای خود را بر تمامی گیتی مسلط سازند. جای دارد که آنها نظری به انجیل بیفکنند، به نامه یوحنا در بند ۸، آیت ۷ را بخوانند و ذهن خویش را به تمثیل زناکار مشغول نمایند: هر که در میان شما مرتکب گناه نگشته است، اولین سنگ را به سوی او بیندازد. بنابراین امریکا فقط در صورتی اجازه دارد سایر کشورها

را به خاطر نقض حقوق بشر محکوم نماید که خودشان بی گناه باشند. اما ایمان امریکا به انجیل اینقدرها نیز محکم نیست. آنها فقط به خاطر حفاظت از سوداگری و قدرتمندی شان به حقوق بشر متوسل می گردند.

نقض حقوق بشر در امریکا دارای سنتی طولانی است. اینکار با مقابله با بومیان اصلی آن سرزمین که اراضی آنها را غصب، آنها را کشته و فرودست نموده، در محیط های اسکان نامناسب برای زندگی محصور کردند، آغاز می گردد. امریکا چین را به نقض حقوق بشر متهم می سازد، به جای این که به سرخ پوستان، زمین هایشان را پس دهد و مطالبی را که بدانها روا نموده جبران نماید. امریکا نمونه بارز استعمارگر است و مظهر آن، زندانی سیاسی بومی امریکا لئونارد پلنیر است. در ماجون ۲۰۲۱ جیمز رینولد، نماینده دادستانی، که مسؤول دادرسی پلنیر در محکوم گشتن او بوده در نامه ای که به رئیس جمهور، بایدن، نوشت درخواست آزادی وی را نمود. علاوه بر آن به طور رسمی به خاطر اسارت و محکوم نمودن، از وی طلب پوزش نمود. وی این را نیز پذیرفت که هیچ گونه مدرکی علیه پلنیر در دست نداشته اند و به همین جهت او هرگز نمی بایست محکوم می شده است. این نمونه خوبی برای احترام به حقوق بشر در امریکاست.

دولت های امریکا با سرخ پوستان بیش از ۲ هزار قرارداد بستند که حتا به یکی از آنها نیز پایبندی نشان ندادند. تمامی آنها را بی شرمانه زیر پا نهادند. این نیز در باره بی وفائی امریکا به پیمانهایش که برای زمان حال نیز مصداق دارد. فقط کفایت به قرارداد هسته ای با ایران اشاره شود. اما از سایرین خواهان پایبندی به قراردادها می باشند. چه بازی دورویانه و بی شرمانه ای را این ابر قدرت بازی می کند که نقش پولیس جهانی را برای خود قائل است و در عین حال هم شاکی، هم قاضی و هم مجری می خواهد باشد. امریکا با به اصطلاح متحدین خویش نیز بهتر از اینها رفتار نمی کند، همانگونه که در تصمیم آخرش در مورد افغانستان می توان دید: پای خود را از افغانستان بیرون کشید و دست متحدینش را در حنا گذارد.

مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۰ بیانیه ای را تصویب نمود:

"همه کشورهای از حقوق مربوط به تمامیت ارضی برخوردارند. آنها برابری این حقوق و وظایف بوده، عضو جامعه بین الملل می باشند، بدون توجه به تفاوت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا هر گونه دیگر". این نیز ذکر شده است که: "همه کشورهای موظف اند حقوق سایر کشورها را رعایت نمایند. هر کشور حق دارد نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش را آزادانه برگزیده و متحول سازد".

بدین قرار تحریم های امریکا علیه کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا و سایر کشورهای ناخوشایند برای امریکا، اساساً ناقض حقوق بین الملل و بیانیه ملل متحد است.

حال نظری بیفکنیم به نسبت امریکا با حقوق بشر. زمانی که در ۱۹۴۵ در فرایند پایه گذاری ملل متحد توسط کشورهای متفق موضوع پذیرش حقوق عامه بشر در بیانیه ملل متحد مطرح بود، مقاومت هائی از جانب غرب در زمینه پذیرش حقوق اقتصادی و اجتماعی، در قبال پیشنهاد اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت. سرانجام این توافق حاصل گشت که دو پیمان همتراز تهیه گردد. یکی در زمینه حقوق مدنی و سیاسی و دیگری در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. از جمله حق کار، حق برخورداری از استاندارد زندگی مناسب و حق برخورداری از سلامت جسمی و روانی به میزان بالا. هر دو پیمان می بایست دارای ارزش برابر می بودند و نباید یکی نسبت به دیگری برتری می یافت. این دو پیمان در سال ۱۹۶۶ در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیدند. ده سال دیگر طول کشید تا این پیمان ها مبنای عمل گشتند. کشورهای سرمایه داری از حقوق تصویب شده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راضی نبودند. مقاومتی که تا امروز نیز ادامه داشته، بدین صورت قابل تشخیص است که امریکا پیمان مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی را تا امروز نیز امضاء نکرده است. امریکا همچنین در مقابل ممنوعیت تبعیض نژادی نیز مقاومت می کند. تازه در ۱۹۹۴ بود که امریکا حاضر شد زیر موافقتنامه برطرف سازی هر گونه تبعیض نژادی را امضاء کند. با اینحال این که واقعیت امر چگونه است را قتل جرج فلوید و سایر کارهای نژادپرستانه مأموران امریکا در سال های اخیر نشان می دهند.

به همین سختی امریکا پیمان برطرف سازی هر گونه تبعیض نسبت به زنان یا پیمان حقوق کودکان را نیز تصویب نمود.

و در همان سال ۱۹۹۴ بود که امریکا به پیمان مخالفت با شکنجه نیز پیوست. با اینحال موجب این نگشت که روش های شکنجه را به فراوانی و سیستماتیک در اردوهای مجازات اسراء در گوانتانامو و در ابوغریب عراق به کار نبرند. این در باره حقوق بشر و امریکا که به قراردادهای و تعهدات فقط در صورتی عمل می شود که برایشان فایده ای داشته باشند. در صورتی که به نفعشان نباشد، امریکا حقوق بین الملل را به کناری نهاده و با بی خیالی آن را نقض می کند. بدون این که از جانب سایرین موجب مذمت قرار گیرد و بدون این که طنین اعتراضی از جانب رسانه های محوری که به سرمایه داران وابسته اند، بلند شود.

بنابراین آیا امریکا به لحاظ اخلاقی حق دارد علیه سایر کشورها در موردی اقدام نماید که خود در آن مورد مقصر است؟ به لحاظ اخلاقی این حق را ندارد، بلکه چون دارای قدرت اقتصادی و سیاسی است، می تواند خلاف اخلاق و حق عمل کند و اینکار را با بی خیالی نیز انجام می دهد. یعنی قدرت بر حق برتری می گیرد.

اگون بار، مشاور صدر اعظم اسبق المان، ویلی براندت، به دانش آموزان دبیرستانی در شهر هایدلبرگ در ۱۹ دسمبر ۲۰۱۳ به صراحت گفت: "در سیاست بین الملل دفاع از دموکراسی و حقوق بشر مطرح نیست، بلکه تعیین کننده منافع کشورهاست. این را به خاطر بسپارید، علی رغم این که در درس تاریخ چه چیزهایی را بریتان تعریف کنند".
به دلایل گفته شده ما همچنان:

خواهان پایان دادن به تحریم کوبا،

پشتیبانی از نیروهای پیشرو در اکوادور، چیلی و سایر کشورهای امریکای لاتین،

صلح و امنیت با روسیه و چین

بوده و پیروزی با ماست!